

دیباچہ ای بر

مدیریت اسلامی

تألیف عبدالحمد رشید



مؤسسہ انشادات محرمہ

کتابخانه مرکزی
دانشگاه امام صادق (ع)



کتاب ۶۹۹۱۱
شماره ۲

BP

۲۴۲،۶۷

۱۱۵

۵۹

۱۳۷۰

۲۰ ن ۱۲۷۹۶

* نام کتاب : دیباچه‌ای بر مدیریت اسلامی

* مؤلف : عبدالمجید رشیدپور

* ناشر : مؤلف

* نوبت چاپ : دوم

* تاریخ چاپ : پائیز ۱۳۷۰

* چاپ : نهضت

* تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

مراکز پخش: □ بنیاد فرهنگی امام المهدی (ع)

قم - اول خیابان شهداء (صفائیة) - تلفن ۲۲۸۹۶

□ مؤسسه انتشارات هجرت

قم - اول خیابان شهداء (صفائیة) - تلفن ۲۲۴۵۹

صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۱۹۳

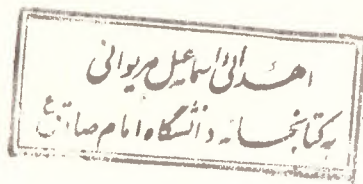
کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

۴۰۴/۱۴

۱۳	مقدمه در باره رهبری
۲۷	پیشگفتار مؤلف
۳۵	دبیاجه ای بر مدیریت در اسلام
۳۷	از چه کسانی باید اطاعت کرد
۴۱	گزینش پیامبران
۴۶	نیاز به مدیریت و رهبری
۴۸	معیارهای رهبری در گذشته
۵۰	معیارهای رهبری از نظر قرآن
۵۱	مدیریت و مظاهر دنیوی
۵۵	توانائی جسمی و روحی
۵۹	مدیریت و روحیه خدمتگزاری
۶۲	اهداف مدیریت از نظر اسلام
۶۶	از خود مردم در دل مردم
۶۹	معیارهای مدیریت در روایات
۷۱	وقار و هیبت مدیر
۷۵	ریاست طلبی
۸۳	دشواری مدیریت

۸۶	مدیریت و خلوص نیت
۸۸	رسالت مدیریت در دوره انقلاب
۹۱	ضرورت تداوم انقلاب
۹۴	مدیریت ذاتی است یا اکتسابی
۹۷	ایمان با ذلت سازگار نیست
۹۹	نقش اساسی مدیریت
۱۰۲	ضرورت رشد در مدیریت
۱۰۴	آفت بزرگ مدیریت
۱۰۹	مدیریت چگونه پرورده می شود؟
۱۱۱	دید جمعی در مدیریت
۱۱۱	روش انبیاء در مدیریت ها
۱۱۶	مدیریت در نقش ارتباطی
۱۱۹	مدیریت در جذب نیروها
۱۲۱	دقت و امعان نظر در مدیریت
۱۲۵	مدیریت و بلوغ فکری
۱۲۹	مدیریت در رابطه با ستاد مشورتی
۱۳۲	قدرت شکیبائی در مدیریت
۱۳۴	مدیریت در رابطه با حل مشکلات
۱۳۶	مدیریت وسعه صدر
۱۴۰	مدیریت و شناخت زمان
۱۴۴	مدیریت در رابطه با تشویق و توبیخ
۱۴۸	گشاده رویی مدیران
۱۵۳	مدیریت در دل مردم

۱۵۳	مدیریت از پشت درهای بسته
۱۵۸	معیارهای عزل و نصب در مدیریت اسلامی
۱۶۳	کی و چگونه باید عذر کارمند را خواست
۱۶۷	مدیریت و روحیه اعتماد بخشی
۱۷۰	مدیریت و اغتنام فرصت
۱۷۳	نقش تبلیغات
۱۷۶	تواضع نه استکبار و نه ابتذال
۱۷۹	مدیریت و دوراندیشی



قال علی - علیه السلام - :
أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ

از آخرین وصایای مولای متقیان امیرمؤمنان علی
- علیه السلام - است که می فرمایند من شما را به دو اصل
مهم و اساسی وصیت می کنم:
۱ - همیشه خدا را حاضر و ناظر دانسته تقوی و
پرهیزکاری را پیشه خود سازید.
۲ - در تمام امورات نظم و انضباط را مراعات نموده
بدان عمل نمائید.

رهبری در صدر اسلام

بطور کلی می توان رهبری و موفقیت پیشرفت اسلام را در
سه عامل مهم خلاصه کرد. همانطوریکه این سه عامل رمز
موفقیت انقلاب اسلامی بعد از چهارده قرن بوده است.
چنانچه از تاریخ صدر اسلام بدست می آید پیامبر
عظیم الشأن اسلام توانست با این سه عامل اسلام را در شرق و

غرب عالم پیاده کند و ملل دنیا را زیر پرچم لا اله الا الله محمد رسول الله درآورد.

۱ - مقام شامخ رسالت و نبوت که از طرف خداوند مبعوث به رهبری گردیده و خودش ایمان به دعوتش داشته و شخصیتی داشته، با عصمت، مدیر و مدبر، کاردان، با صبر و استقامت بود چنانکه قرآن کریم بیان داشته ما ترا به رسالت و رهبری فرستادیم تا مردم را بشارت به کارهای خیر و ترسان از عذاب الهی دهی.^۱

۲ - هدفش دعوت به اسلام که همان کمال انسانیت، تزکیه نفس و تعلیم حکمت و عمل به تعالیم عالیه اسلام بود تا در پرتو آن یک زندگی لذتبخش و سعادتمند نصیب همه گردد چنانکه قرآن کریم گویای آن است.^۲

خداوند پیامبری بزرگوار از همان مردم مبعوث فرمود تا جهل و نادانی، اخلاق زشت را پاک ساخته و شریعت کتاب آسمانی و حکمت الهی را به آنها بیاموزد.

۳ - وحدت کلمه در مردم و اتحاد و همبستگی و صمیمیت و برادری و استقامت در تمام افراد جامعه بطوریکه همه متحد و دارای یک هدف و مقصد خداخواه و اسلام جو شدند. چنانکه در قرآن کریم هم اشاره فرموده^۳ همگی دارای

۱ - سوره فتح، آیه ۷: إنا أرسلناك شاهداً ومبشراً ونذيراً

۲ - سوره جمعه، آیه ۲: هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة

۳ - سوره آل عمران آیه ۱۰۳: وأغصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا

یک هدف و یک عقیده و یک خواسته و متحد و با همبستگی و صمیمیت و برادری به ریسمان الهی چنگ زده و تفرقه و اختلاف را کنار گذاشتند. رمز موفقیت در صدر اسلام مرهون این سه امر مهم بود که توانست جهان اسلام قلوب تمام ملل عالم را تسخیر نموده و پرچم توحید را در شرق و غرب عالم به اهتزاز درآورد چنانچه پس از چهارده قرن هم انقلاب اسلامی با تحقق بخشیدن این سه عامل مهم توانست موفقیت عظیم را به فضل الهی در آغوش گرفته و به تدریج اسلام را پیاده نماید.

۱ - با رهبری نائب امام، فقیهی با تقوی، مدیری مدبر، با بصیرت و بینش عمیق، با صبر و استقامت، پابرجا.

۲ - با هدفی بس عالی که همان اسلام و قرآن و تعالیم تابناک و حیاتبخش رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است.

۳ - با اتحاد و وحدتی بی نظیر و همبستگی و صداقت برادری صمیمانه و با صبر استقامتی غیر متزلزل در مردم.

شرایط مهم رهبری از نظر قرآن و عترت

۱ - رهبر باید خودش به گفتار و دعوتش مؤمن و معتقد و با یقین بدستوراتش عامل باشد تا هیچگونه مورد خلافی از او دیده نشود. چنانکه خداوند در قرآن کریم پیامبرش را چنین معرفی نموده است.^۱ پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ایمان آورد و

۱ - سوره بقره، آیه ۲۸۵: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ

معتقد و مؤمن بود و به آنچه از طرف خداوند به او نازل گردیده بود مردم را به آن دعوت می نمود و از خود پیامبر اکرم — صلی الله علیه و آله — است که:

مردم را با عمل خوب خود دعوت به خیر و صلاح نمائید تا ارشاد و رهبری شما در آنها اثر گذاشته و با دیدن عمل و پرهیزکاری در شما، آنها هم عمل کنند.^۱

علی — علیه السلام — می فرماید:

اگر بخواهید راهنمایی و ارشاد و تبلیغ شما در دیگران مؤثر باشد و عمل کنند باید اول خودتان عامل به گفتارشان باشید و اگر چنین نباشد سخنان شما در قلب شنوندگان اثر نگذاشته و از گوش آنها تجاوز نمی کند.^۲

۲ — رهبر باید دارای سعه صدر و استقامت بوده و همه گونه تحمل زحمات و مشکلات مهم و حوادث ناگوار را بنماید و با صبر و استقامت، مانند کوهی پابرجا و استوار، هیچگونه تزلزلی

۱ — كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الاجْتِهَادَ وَالْوَرَعَ

۲ — اَلْكَلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْقَلْبِ دَخَلَ فِي الْقَلْبِ وَإِذَا خَرَجَ مِنَ اللِّسَانِ لَمْ يَتَجَاوَزِ الْأَذَانَ

در رأی و تصمیم اش پیدا نشود و در مقابل هدف مقدسش افسرده نگردد.
چنانکه خداوند به پیامبرش چنین دستور فرمود:

ای پیامبر (باید در تمام مشکلات مانند پیامبران سلف) شکیا و با استقامت و فرمانبردار باشی.^۱

و در جای دیگر می فرماید:

ای رسول گرامی آیا ما به تو شرح صدر عطا نکردیم (تا بتوانی در مقابل انبوهی از مشکلات و مصائب صبر و بردباری استقامت کنی)^۲

۳ — رهبر باید دارای حسن خلق و تواضع و فروتنی باشد و با روی خوش و نیکو زبانی و با مهر و محبت، تبلیغ و ارشاد نماید چنانچه خداوند هم پیامبر اکرمش را بخصوص به این صفت در قرآن ستوده:

تو ای پیامبر دارای خلق نیکو هستی^۳

و خود رسول خدا فرموده:

۱ — سوره هود، آیه ۱۱۲: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ

۲ — سوره انشراح، آیه ۱: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

۳ — سوره قلم، آیه ۴: إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

محبوبترین شمانزد من و نزدیکترین شما فردای قیامت به من کسی است که حسن خلقش نیکوتر و با مردم مهر بانتر و متواضع تر باشد.^۱

۴ — رهبر باید نسبت به مردم خدمتگزار واقعی، خیرخواه دلسوز، کارساز و مشکل گشای تمام حوائج و گرفتاریهای جامعه باشد و در مقابل هم هیچگونه توقع و پاداشی نخواهد چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید:^۲

خداوند رسولی برای رهبری شما مبعوث فرمود که نسبت به شما با محبت و خدمتگذار و خیرخواه و دلسوز است که ناراحتی شما بر او سخت و دشوار است و برای کارگشائی و مشکلات شما بسیار حریص و علاقمند به مؤمنین و رؤف و مهربان است.

و خود پیامبر اکرم — صلی الله علیه و آله — فرموده اند:^۳

رهبر و رئیس هر قومی خدمتگزار و خادم آن قوم اند

تا مردم او را به رهبری و خدمتگزاری بپذیرند و اگر رهبر

۱ — إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَ أَفْرَ بِكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا.

۲ — سوره توبه، آیه ۱۲۹: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ

۳ — رَئِيسُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ

بخواهد سیادت و آقائی و بزرگ منشی بنماید در قلوب مردم جای نخواهد داشت.

۵ — رهبر باید در مقابل بدرفتاری و تندخویی و خشونت و بدگوئی مردم نسبت به وی، خونسرد و صبور و مهربان و با محبت باشد و رنجش خاطر پیدا ننماید مانند پزشکی که هرچه بیمار بداحوال و روانی اش به وی دشنام و ناسزا گوید او با دلسوزی خاص خود به معالجه وی می پردازد. چنانچه خداوند متعال نیز نسبت به پیامبر اکرم — صلی الله علیه و آله — چنین می فرماید:^۱

ای پیامبر گرامی لطف خداوند ترا نسبت به مردم مهربان و خوشخو گرداند و اگر سخت دل بودی در مقابل بدرفتاری و خشونت و توهین مردم هرآینه آنان از اطراف تو پراکنده می شدند پس اگر مردم در باره تو بدرفتاری کنند از آنان بگذر و علاوه بر این از خداوند برای آنها طلب آمرزش فرما بلکه برای دلجوئی آنها در کارها با آنها مشورت نما ولی آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام بده.

لذا با آنکه هر نوع اذیت و آزاری را نسبت به پیامبر اکرم —

۱ — سوره آل عمران، آیه ۱۵۹: قَيْمًا رَّحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّمْ يَلْتَمِسْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ قَطًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ خَوْلِكَ فَأَعْفُوا عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَنَاوِزْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

صلی الله علیه و آله — روا می داشتند، آنحضرت از خداوند متعال برای امت خود طلب استغفار می نمودند و می فرمودند: ^۱

پروردگارا از امت من درگذر، آنها جاهل و نادان هستند.

در حالیکه حضرت در جایی دیگر می فرمودند: ^۲

هیچ پیامبری را امتش، مثل من او را اذیت و آزار ننمودند.

۶ — رهبر باید مردم را با دلیل و برهان و پند و موعظه و با زبان لَین و مهربانی دعوت به خیر و صلاح نماید، بطوریکه از رهبر هیچگونه احساس خودخواهی و غرور و تکبر دیده نشود و در خود احساس حقارت ننماید بلکه کلام او را برای خود مصلحت تشخیص داده و به نفع خود دانسته باشد. چنانچه در قرآن کریم آمده است: ^۳

ای رسول گرامی مردم رابه حکمت و برهان پند و

۱ — قال رسول الله — صلی الله علیه و آله — : رَبِّ اقْنِي قَائِمَهُمْ جَاهِلُونَ

۲ — قال رسول الله — صلی الله علیه و آله — : مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيَ

۳ — سورة نحل، آیه ۱۲۵ : ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ وَاجِدْ لَهُمْ يَأْتِي هِيَ أَحْسَنَ

موعظه دعوت کن و با بهترین طریق مناظره با آنان سخن بگو

و در جای دیگر خداوند خطاب به حضرت موسی و هارون چنین می فرماید:

که هنگامی که نزد فرعون طاغی و مشرک می روید و او را می خواهید دعوت به حق و خداپرستی کنید با کلام نیکو و لَین و مهربانی با وی سخن بگوئید.

۷ — رهبر باید در مقابل رهبری خود مزد و پاداشی نخواهد و نظرش فقط ارشاد و تبلیغ و خدمتگذاری و راهنمایی باشد تا در دیگران اثر مثبت گذارده و به دستورات وی عمل کنند و اگر احساس کنند که برای سیادت و ریاست و مقام و موقعیت و یانفع شخص خود رهبری و تبلیغ می کند دیگر در مردم اثر نگذاشته و پیروی او را نخواهند نمود بلکه دشمنی و خصومتش را در دل خواهند گرفت چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم از قول پیامبرش می فرماید:

من از شما هیچ مزد رسالت و رهبری نمی خواهم و اجر مزد من با خدای رب العالمین است. ^۲

۱ — سورة طه، آیه ۴۴ : فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا

۲ — سورة شعراء، آیه ۱۶۴ : مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى

اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و در جای دیگر در قرآن آمده است:^۱

اگر من مودّت و دوستی ذوالقربی و عترت را از شما می‌خواهم آنهم برای نفع شما است که بوسیله آنها تعالیم دینی و احکام الهی را بیاموزید.

البته شرائط رهبری مطالب دیگری هم دارد که در این مقدمه بیشتر از این گنجایش نداشت و خود این کتاب تاندازه‌ای جوابگوی آن می‌باشد.

کتاب حاضر

کتاب دیباچه‌ای بر مدیریت در اسلام که به قلم توانا و شیوای برادر دانشمند معظم آقای عبدالمجید رشیدپور تألیف گردید و در سبک خود جدید است. معظم له با تخصصی که در روانشناسی و اطلاعات کافی در متون اخلاق اسلامی دارند توانسته‌اند این کتاب را که با اختصار در راهنمایی مدیریت به رشته تحریر درآورده و قدم نوئی در این علم بردارند. امید است دانشمندان دیگر نیز کتابهای جامعتری در این خصوص تألیف نموده تا در این برهه از زمان که انقلاب اسلامی نیازمند به تربیت چنین افراد شایسته‌ای می‌باشد و بیش از هر چیز

۱ — سوره سباء، آیه ۴۷: قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَخْرِ قَهْوٍ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ

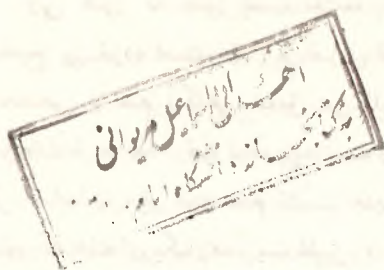
دیگری به مدیریت و رهبری صحیح نیازمند است، مورد استفاده برادران اسلامی قرار گیرد. خوشبختانه «مؤسسه دین و دانش — کتابخانه سیّار حائری تهرانی قم» که علاقمند است برای خدمت به اسلام و مسلمین، فرآورده‌های نفیس اخلاق اسلامی را با بهترین چاپ منتشر کند، با اجازه مؤلف محترم مبادرت به چاپ این کتاب نموده و امید است در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده مدیران و کارفرمایان و مبلغین و رهبران محترم قرار گیرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۶

برابر ۱۱ اسفند ۱۳۶۴

مسجد ارک — مهدی حائری تهرانی



مدیریت یک واقعیت مجهول و ناشناخته‌ای است لااقل برای ما ایرانیان آنطور که باید شناسانده شود این شناسائی انجام نشده است. اگر روزی قرار شود در جامعه ما علل شکست‌ها را در شیون خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و غیره مورد بررسی قرار داده شود در آن موقع متوجه خواهیم شد که بیشترین شکست‌ها معلول فقدان مدیریت صحیح بوده است از اینجا بدست می‌آید که جامعه ما هنوز به ارزشمندی مدیریت پی نبرده است و نقش اساسی آن تاکنون مطرح نگشته است.

پس از انقلاب و زیرورو شدن مدیریت‌های دوره طاغوت که همه و همه بر اساس روابط انجام می‌شده است قرار شد که انسان‌های با تعهد و ایمان بر اساس ورزیدگی‌ها و تخصص‌ها مسئولیت‌ها را پذیرا گردند.

بدیهی است با از بین رفتن مدیریت‌های طاغوتی و روابط خشک و سرد مدیر و کارمند جامعه انقلابی نیازمند مدیریت اسلامی و روابط انسانی بود روی همین نیاز بحث از مدیریت اسلامی و رهبری از دیدگاه اسلام در جامعه توسعه و گسترش یافت.

ولی هنوز که هنوز است جامعه به ارزشمندی مدیریت صحیح پی نبرده است. لذا، بر اساس فقدان نیروی انسانی متخصص و عدم آگاهی عمیق در کاربرد مدیریت میزان ضایعات در جامعه درخور توجه بوده است و نکته‌ای که در تزايد این ضایعات مؤثر بوده عدم تثبیت مدیریت‌ها بوده است. بطوریکه هفته‌ای یکبار مدیریت تغییر یافته و مدیری تازه بر سر کار منصوب می‌شده است همه اینها حاکی از عدم شناخت جامعه از شئون مدیریت است.

بنابراین یکی از نیازمندیهای جامعه آشنائی و شناخت با اصول مدیریت اسلامی و حوزه رهبری است. دانشمندان و محققان در دوره انقلاب بر اساس وظیفه موظف هستند بر اساس ضرورت‌های اجتماعی این مشکل را حل و فصل نموده از دیدگاه اسلام همه شئون مدیریت را تجزیه و تحلیل نموده در اختیار همگان قرار دهند. نویسنده کتاب با بی‌بضاعتی در فرصتی که مدیریت بخش کوچکی را عهده‌دار بود با تفکر و اندیشیدن به برخی از ویژگیهای مدیریت اشراف پیدا کرده با کمال شرمندگی آنها را تقدیم جامعه انقلابی داشته است.

امید است اساتید بزرگوار و دانشمندان اسلامی با توجه به ضرورت‌های اجتماعی همانطور که همیشه پاسدار اسلام بوده مشکلات و معضلات را از سر راه مسلمانان برطرف می‌کردند مشکل مدیریت را حل نموده بطور کامل مدیریت از نظر اسلام را تدوین نمایند.

آشنائی با مدیریت واقعی است که جامعه انقلابی ما همه بدان نیازمند است زیرا کودک سالم و برومند احتیاج به

مدیر دارد شاگرد مدرسه نیازمند مدیر است.

ادارات و سازمانهای دولتی نیازمند مدیر است. در همه ابعاد جامعه تحول و پیشرفت احتیاج به مدیریت دارد. از همه اینها گذشته حتی یک انسان اگر بخواهد خود را بسازد و خویشتن را متعالی گرداند بدون تردید نیازمند است که در وجود خود مدیریتی را پیاده سازد تا در پرتو مدیریت عقل و خرد همه سازمانهای گوناگون تن و روح هم‌آهنگ شده همه در یک سو و یک جهت حرکت و پویائی داشته باشند. با مطالعه آیات قرآن و روایات درخواستیم یافت که زیربنای مدیریت اسلامی از همین مدیریت خرد و عقل نشأت می‌گردد یعنی تا انسانها ساخته و پرداخته نشوند صلاحیت مدیریت را دارا نخواهند بود زیرا تا انسانی بر خود تسلط و مدیریت نداشته باشد نمی‌تواند بر دیگران مدیریت داشته باشد.

با توجه به این نکات بخوبی آشکار می‌گردد که مدیریت اسلامی از خودسازی و انسانی بودن سر در می‌آورد در حقیقت مدیریت اسلامی بخش کوچکی از گزینش انبیاء و پیامبران بوده و در نحوه گزینش و روحیات و صفات پیامبران ویژگیهای ارتباط و تخلف به مکارم اخلاق هم‌آهنگ با آنان می‌باشد.

با توجه به این نکات بخوبی آشکار می‌گردد که پدران و مادران اگر علاقمندند که فرزندان برومندی داشته افراد شایسته‌ای تحویل جامعه دهند. در درجه اول بر اساس مدیریت اسلامی خودشان باید انسانهای نمونه و متعالی باشند اگر مدیریت مدرسه‌ای بخواهد از نظر اخلاق شاگردان مدرسه الگو

و مدل باشند در درجه اول خود مدیریت باید انسانی شایسته باشد. تا دیگران از او الهام بگیرند اگر سازمانی بخواهد افرادش منظم و فعال و متعهد باشند قبل از همه مدیریت آن مؤسسه باید از همه شرایط مدیریت اسلامی برخوردار باشد. تا کارمندان با اقتباس از او ساخته و پرداخته شوند.

ضرورت بحث مدیریت با توجه به نکات ذکر شده کاملاً مشهود و عیان می گردد.

روی این اصل بیشترین سرمایه گذاری ها باید در بخش مدیریت گذاشته شود مدیریت در خانه مدیریت در مدرسه مدیریت در اداره مدیریت در فرهنگ... اگر همه افراد جامعه با اصول مدیریت اسلامی آشنائی پیدا کرده سعی کنند در جزء و کل اصول آنرا رعایت نمایند. آنوقت بجای ضایعات بجای تعطیلی بجای رکود پیشرفت و تکامل و دگرگونی و تحول بوجود خواهد آمد.

دور از انصاف است که در بحث از مدیریت اسلامی در دوره انقلاب از بازگو کردن نقش خاص رهبری سخنی به میان نیاوریم.

همه می دانیم که هر معلولی از علل گوناگونی بوجود می آید. بدون تردید انقلاب شکوهمند اسلامی از علل و عوامل گوناگونی برخوردار بوده است ولی آنچه که نمی تون آن را نادیده گرفت نقش رهبری و مدیریت این انقلاب است که توسط زعیم عالیقدر استاد بزرگوار خمینی بت شکن ادام الله عمره الشریف للاسلام طراحی و سازمان دهی شد.

این رهبری قبل از انقلاب شروع شد و پس از انقلاب و در

برخورد با بحران ها و دشواریهای انقلاب کماکان استمرار داشته است. حتی در آن موقع که رهبر عظیم الشان به بیماری قلب گرفتار بودند یک لحظه از رهبری و ارشاد غفلت ننموده همیشه در میان مردم با مردم بوده از ساختن و پرداختن آنان درنگ و تساهل بعمل نیامد.

هدف این حقیر این نیست که در باره مقام شامخ رهبر عالیقدر سخنی گفته باشم چه اینکار کار هر بی بضاعتی نیست انسانهای والا را شناسائی کردن احتیاج بزمان دارد.

چنانچه درک پیامبر بزرگوار و شناسایی اش احتیاج به گذشت زمان داشته است.

ولی هدف این است که چگونه مدیریتی یک جامعه را دگرگون و متحول ساخت. ممکن است گفته شود که ملت ایران فداکار و ایثارگر بوده و همه هستی خود را در راه پیشرفت انقلاب فدا کرده است.

ناگفته پیداست که این نقش حساس مدیریت و رهبری است که اینچنین عمیق و گسترده جامعه را متحول ساخته است.

در این کتاب به معیارهای مدیریت اشاره شده و گفته شده است که مدیریت بر امور معنوی و اخلاقی استوار گشته است چنانچه از روایات و احادیث استفاده شده است روی این اصل یک فرق کلی و اساسی بین مدیریت اسلامی و مدیریت های غربی وجود دارد. مدیریت های اسلامی هیچگاه فردی با همه کمالاتی که داشته باشد خویش را در معرض انتخاب و کاندیدا قرار نمی دهد برخلاف همه کشورهای شرقی و غربی

که مدیریت‌ها، خود را معرفی کرده خویشان را برای احراز مقام مدیریت در معرض قرار می‌دهند. بنابراین مدیر واجد شرائط هرگز خود را بعنوان مدیریت معرفی ننموده از آن می‌گریزد و این تقاضا و درخواست جامعه و احساس مسئولیت‌هاست که زیر بار تکلیف رفته مدیریت را پذیرا می‌گردد و در این پذیرش جز رضای پروردگار هدفی دیگر ندارد.

مجید رشیدیور

۶۴/۱۲/۳

۱۷۵ تومان